

سه داستان در یک پرونده: آدم ربایی ؛ سرقت و ازدواج موقت

پیگیری زن جوان برای پیدا کردن شوهر ناپدید شده‌اش راز ازدواج موقت او و غیبت 3 روزه‌اش را فاش کرد.

به گزارش مادران و دختران به نقل از «ایران»، اواسط دی‌ماه زن جوانی با مراجعه به پلیس از ناپدید شدن همسرش خبر داد و گفت: شوهرم طلافروش است. عصر روز گذشته برای آخرین بار با همسرم صحبت کردم و بعد از آن تلفن همراهش خاموش و ناپدید شد.

با شکایت زن جوان، به دستور بازپرس غلامحسین صادقزاده، تیمی از کارآگاهان اداره یازدهم وارد عمل شدند. طبق تحقیقات کارآگاهان و بازبینی دوربین‌های مداربسته اطراف مغازه، مرد طلافروش آخرین بار همراه زن جوانی مغازه را ترک کرده بود. زمانی که تصویر زن جوان به همسر مرد طلافروش نشان داده شد، وی را شناخت اما در ادامه با بررسی تلفن‌های مرد گمشده مشخص شد وی با زنی به نام سوسن ارتباط داشته است.

بدین ترتیب کارآگاهان به سراغ سوسن رفته و زن جوان گفت: یک ماه قبل به عقد موقت مرد طلافروش درآمدم. این یک راز بین ما بود بعد هم او آپارتمانی کوچک در نزدیکی مغازه به صورت ماهانه اجاره کرد تا هر زمان که می‌خواستیم همدیگر را ببینیم به آنجا برویم. شبی که او ناپدید شد قرار بود باهم بیرون برویم، اما در بین مسیر گفت که باید برای برداشتن وسایلی به خانه اجاره‌ای برود. ولی دیگر برنگشت و من هم خبری از او ندارم.

با اطلاعاتی که زن جوان در اختیار تیم تحقیق قرار داد مأموران راهی خانه اجاره‌ای شدند. اما با ورود به خانه، آنها مرد طلافروش را دست و پا بسته پیدا کردند و دو مرد جوان هم کنار او بودند.

با دستگیری دو مرد جوان، طلافروش بلافاصله به بیمارستان منتقل شد و کادر درمان اعلام کردند به او داروهای مخدر تزریق شده و مورد شکنجه جسمی نیز قرار گرفته است. با تلاش کادر درمان، مرد جوان که در یک قدمی مرگ بود نجات پیدا کرد.

مرد جوان در رابطه با حادثه‌ای که برایش رخ داده بود، گفت: 2 مردی که در خانه دستگیر شدند، صاحب خانه‌ام هستند. آنها مرا سه روز گروگان گرفتند. در این مدت مرا شکنجه کرده و به زور به طلافروشی‌ام بردند. یک کیلو طلا از مغازه‌ام سرقت کردند و قرار بود بعد از آن

مرا آزاد کنند، اما دوباره به داخل آپارتمان برده و در آنجا حبس کرده و مدام دارو به من تزریق یا مرا مجبورم می‌کردند که قرص بخورم.

ادعای متفاوت متهمان

در حالی که مرد طلافروش چنین اظهاراتی داشت، دو مرد جوان ادعای متفاوتی را مطرح کردند. یکی از آنها گفت: ما صاحب خانه نیستیم. خودمان این آپارتمان را یک ساله از صاحب اصلی‌اش اجاره کردیم و آن را روزانه یا ماهانه به دیگران اجاره می‌دادیم تا درآمد کسب کنیم. امروز وقتی برای گرفتن اجاره خانه به اینجا آمدیم هر چه زنگ زدیم کسی در را باز نکرد. از آنجایی که تلفن مرد طلافروش هم خاموش بود، تصور کردیم بدون پرداخت اجاره خانه را خالی کرده است. به همین دلیل با کلیدی که از قبل داشتیم وارد خانه شدیم و هنوز لحظاتی از ورودمان نگذشته بود که پلیس وارد آپارتمان شد. ما حتی نمی‌دانستیم او داخل اتاق بیهوش افتاده است و از ماجرای گروگانگیری و شکنجه بی‌اطلاع هستیم.

با توجه به اظهارات طرفین پرونده و شواهد و مدارک موجود به دستور بازپرس شعبه هفتم دادرسی امور جنایی پایتخت، آنها در اختیار اداره آگاهی قرار داده شده و تحقیقات در این خصوص ادامه دارد.